

۳۲۲ - ای بقیه فدائیان جمال رحمن آن عاشقان روی جانان و آن افتادگان در دام موی دلبر فتان و آن قاصدان کوی یار معنوی و آن منجذبان حسن دلجوی دوست حقیقی چون منتظر هوی معشوق الهی بودند بمحض استماع صوت الست فریاد بلی از دل و جان برآوردند و چون شعله نار برافروختند و سینه را هدف تیر جفا ساختند و علم توحید بر افراختند و شهد شهادت را چشیدند و بمنتهای آمل خویش رسیدند و از احتراق فراق رها یافتند و در کوی دلدار و محفل دیدار مأوی ساختند و بندای یا لیت قومی یعلمون بما غفر لی ربی و جعلنی من المکرمین ناطقند تو شکر کن که از جام بلای آنها نصیبی داشتی و در یوم طلوع و ظهور این نیر اعظم نیز موجود بودی و بعرفان جمال رحمن فائز شدی